

برای دستان آسایش، همنجوای سکوت و موسیقی

- مترجم

## موسیقی، این راز مقدس\*

استینگ

هنگامیکه به نوازنده‌ای در حال نواختن سازش نگاه می‌کنیم، آن زمان که پا به حریم موسیقایی خود می‌گذارد، به کودک معصوم و کنجکاوی تبدیل می‌شود که پر از شگفتی است؛ رازی پر از سرور و غم.

و حتا شاید مقدس. چه چیز ما را و می‌دارد تا ساعت‌ها و روزها گام و آرپژ بنوازیم؟ آیا وعده‌ی مبهمی است برای رسیدن به افتخار و شهرت و پول؟ یا چیزی فراتر؟

هیچگاه نخواستهم چیزی جز یک موسیقیدان باشم، چرا که نخستین خاطره‌ام با موسیقی درآمیخته است: به یاد دارم که کنار مادرم می‌نشستم و هنگامیکه پیانو می‌نواخت - که همیشه ریتم تانگو بود - گویی به عالم دیگری قدم می‌گذاشت. پاهایش روی پدال‌های برنجی ساییده‌شده جابجا می‌شدند، دستانش با ریتم‌های عجیب و غریبی روی پیانو حرکت می‌کردند و نگاهش مشتاقانه نت‌ها را دنبال می‌کرد. این تنها زمانی بود که من دنیای مادرم نبودم، و دانستم که عبادت خاصی باید در حال انجام باشد.

شروع کردم به ساعت‌ها کوبیدن روی کلیدهای پیانو، به توهم این که اگر پافشاری کنم، روزی این سروصداها به موسیقی تبدیل می‌شود (البته هنوز هم در این توهم دست و پا می‌زنم). مادرم باور داشت که گوش‌هایم گوش یک موسیقیدان است؛ اما دست‌هایم دست‌های یک

---

\* این مطلب، چکیده‌ی سخنرانی استینگ در کالج موسیقی برکلی، پس از دریافت درجه‌ی دکترای افتخاری (۱۹۹۴) است.

لوله‌کش. این انگشتان زمخت و بزرگ، بالاخره وقتی که عمومیم یک گیتار اسپانیس قدیمی و کهنه با پنج سیم زنگ‌زده را به من هدیه داد، بستر موسیقایی خود را یافتند؛ و من هم بهترین دوستم را. موسیقی اعتیاد است. مثل یک کیش، مانند یک بیماری. درمانی ندارد، پادزهری نیست؛ و من در آن غرق شدم.

آن زمان موسیقی گروه رولینگ استون در کنار موتسارت، بتهوون، گلن میلر و حتا بلوز از رادیو پخش می‌شد. این ملغمه به اضافه‌ی مجموعه‌ی صفحه‌های گرامافون پدر و مادرم از راجرز و همراستاین، لرنر و لو، الویس پریشلی، لیتل ریچارد و جری لی لوئیس درس‌های موسیقی من بودند.

نمی‌دانستم که می‌توانم موسیقی را به عنوان یک حرفه انتخاب کنم یا نه؛ تا این که صدای گروه بیتلز را شنیدم. چرا که آنها هم مانند من از طبقه‌ای کارگری بودند؛ لیورپول هم از شهر من نیوکاسل به هیچ وجه پر زرق و برق‌تر و رویایی‌تر نبود. اینگونه بود که سازم از همنشین تنهایی‌ام به همسفری برای گریز بدل شد.

تا به حال، صدها ترانه ساخته و منتشر کرده‌ام، ترانه‌هایی که در فهرست پرفروش‌ترین و پرطرفدارترین‌ها نیز بوده‌اند؛ با وجود این، اگر از من بپرسید چگونه ترانه می‌سازم، حقیقتاً نمی‌دانم. هر نوا گویی موهبتی است که از جایی دیگر می‌آید و هر بار باید دعا کنی تا باز این موهبت به تو ارزانی گردد. آیا کسی واقعا می‌داند موسیقی چیست؟ ابزار تجارت است یا خمیره‌ی خیال؟ آیا صرفاً مجموعه‌ی قواعد هارمونی و یا قوانین کنترپوان است؟

بطور تناقض‌آمیزی دارم به اهمیت سکوت در موسیقی اعتقاد پیدا می‌کنم. آن سکوت هیجان‌انگیز، پس از چهار نت ابتدای سمفونی پنجم بتهوون؛ فاصله‌ی میان نت‌ها در تکنوازی مایلز دیویس. به عنوان یک موسیقیدان همیشه فکر می‌کنم مهم‌ترین کاری که انجام می‌دهیم چیزی نیست جز ساختن چارچوبی برای سکوت. در دنیای نو، حقیقت سکوت را به ندرت می‌توان تجربه کرد. گویی دسیسه می‌کنیم تا از آن دور شویم. ما را وامی‌دارد تا به اندیشه‌ها و احساساتی توجه کنیم که فرصتی برایشان قایل نیستیم. سکوت آزارمان می‌دهد؛ چرا که طول موج روحمان است. شاید راز موسیقی همین سکوت باشد.

نیاکانمان نوا و وزن را با هم آمیختند تا دنیای روحشان را برای رسیدن به مقاصدشان تحت سلطه درآورند؛ اکسیری برای درک کیهان. موسیقی باید قدیمی‌ترین آیین مذهبی باشد.

نخستین کاهن احتمالا موسیقیدان بوده، نخستین دعا نیز ترانه. و اگر از من زمانی بپرسند که مذهبی هستم؛ می‌گویم بله، یک موسیقیدان مؤمن. چرا که موسیقی مرا به ماورای خرد متصل می‌کند؛ جایی نه در این عالم، چیزی آن‌جهانی، چیزی مقدس.

در هر حال، به عنوان یک موسیقیدان، اگر در کار خود موفقید و هر شب برای هزاران نفر می‌نوازید؛ یا خیلی موفق نیستید و در سالن‌های کوچک و رستوران‌ها ساز می‌زنید؛ و یا این که اصلا موفق نیستید و تنها در خانه برای گریه‌ی خودتان ساز می‌زنید، کاری می‌کنید که می‌تواند روح را مرهم بگذارد و ارواح شکسته‌مان را التیام بخشد.

---

توضیحات:

- استینگ (Sting)، خواننده، نوازنده و آهنگساز/متولد ۱۹۵۱ در انگلستان، موسیقی اش تلفیقی است از راک، جاز و پاپ. دارای دکترای افتخاری موسیقی از دانشگاه نورثامبریا (Northumbria University) در ۱۹۹۲ و کالج موسیقی برکلی (Berklee College of Music) در ۱۹۹۴. برنده ی جوایز متعدد و معتبر طی دو دهه فعالیت هنری و طرفدار حفظ محیط زیست و بنیانگذار بنیاد حفاظت از جنگل‌های استوایی است.

- این مقاله، در شماره ی ۱۱ فصلنامه‌ی موسیقی ماهور (سال سوم، بهار ۱۳۸۰) چاپ شده است.